



مرگ ۹۰ نفر در انفجار معدن
انفجار در معدنی واقع در شمال چین جان دست کم ۹۰ معدنچی را گرفت. این حادثه ساعت ۱۹:۲۹ دقیقه به وقت محلی در معدن زغال سنگ «لیوشینو» در استان «شانشی» اتفاق افتاد و در شرایطی که ۲۴۷ معدنچی در حال کار بود این انفجار جان دست کم ۹۰ نفر از آنها را گرفت.

صفحه ۱ از ۱ علی حسینی

جنایی

قتل هولناک همسر



مرد کینه جو در اقدامی هولناک همسرش را به قتل رساند. به گزارش همشهری، این حادثه ظهر خردادماه امسال رخ داد. مقتول زنی ۴۱ ساله بود که در خانه‌اش به قتل رسیده بود. عامل این جنایت کسی جز همسر ۴۸ ساله

مقتول نبود که ساعتی پس از جنایت دستگیر شد. مرد میانسال در تحقیقات اولیه به قتل همسرش اعتراف کرد. او گفت: درگیری میان من و همسرم از زمانی شروع شد که خانه را به نامش ردم. پس از آن اخلاقی و رفتارش تغییر کرد و دعواهای ما شروع شد. او دیگر اهمیتی به زندگی و بچه‌های من نداشت. اختلافاتمان به قدری شدت گرفت که پیمان به دادگاه خانواده باز شد. او دامه داد. روز حادثه بر سر مسائل قبلی درگیر شدیم. وقتی بحث بالا گرفت، عصبانی شدم و او را به قتل رساندم. متهم پس از اقرار به قتل همسرش، به دستور بازپرس جنایی در اختیار مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.

گره قصاص در پرونده قتل

خانواده دختری که پس از ربوده شدن و شکنجه در باغی در اطراف کرج به قتل رسیده بود، برای اجرای حکم قصاص ۱۴۲ قاتل، خواستار پرداخت تفاضل دیه از بیت‌المال شدند. این دختر جوان نهم تیر سال گذشته ناپدید شد و تحقیقات نشان داد که وی آخرین بار با ۲ مرد آشنا دیده شده است. با بازداشت متهمان، ابعاد هولناکی از یک جنایت فاش شد. متهمان در جریان بازجویی‌ها اعتراف کردند که به دلیل اختلافات شخصی بر سر یک دستگاه تلفن همراه، نقشه ربودن دختر را طراحی و اجرا کرده‌اند. آنها مقتول را به باغی در حاشیه کرج کشاندند و در آنجا او را به قتل رساندند. ۱۲ قاتل این پرونده به قصاص محکوم شدند که حالا پس از گذشت ۱۱ ماه از وقوع این جنایت، خانواده مقتول با حضور در شعبه دوم اجرای احکام دادسرای جنایی، خواستار پرداخت تفاضل دیه از بیت‌المال شده‌اند تا مقدمات اجرای حکم قصاص فراهم شود. این درخواست هم‌اکنون در مرحله بررسی‌های قضایی قرار دارد.

حبس‌های سنگین برای ۲ همکار دشمن
۲ نفر که در سمنان با برقراری ارتباط با شبکه‌های معاند برای آنها تصویر ارسال می‌کردند با رأی دادگاه به ۲۶ و ۲۷ سال حبس محکوم شدند. به گفته حجت‌الاسلام محمدصادق اکبری، رئیس کل دادگستری استان سمنان حکم صادر شده برای لیلا رضانی و فاطمه ملک احمدی قطعی است.



آخرین سرقت دزد حرفه‌ای ماجرای عجیبی را رقم زد
دزد به دزد زده

درخواست عجیب دزد سریالی
سارق دستگیر شده ۵۲ ساله است. او بارها زندان را تجربه کرده و می‌گوید حالا که باعث شده یک سارق دیگر هم شناسایی و دستگیر شود، در دوگانه دارد که دادگاه در مجازاتش به او تخفیف دهد!

چند وقت است که سرقت می‌کنی؟
من ۲ سال قبل از زندان آزاد شدم و توبه کردم. با خود گفتم که دور خلاف را خط می‌کشم. با ماشینم مسافر کشی می‌کردم و یک آنلاین شاپ هم راه انداخته بودم اما پس از شروع جنگ، کارم را از دست دادم؛ به حدی مشکلات مالی به من فشار وارد کرد که ناچار شدم توبه‌ام را بشکنم و مجدداً در مسیر خلاف قرار بگیرم.

چند مرتبه زندان را تجربه کرده‌ای؟
۲ مرتبه. این بار می‌شود سومین بار. تخصصم سرقت منزل است. **با چه شگردهای خانه‌ها را خالی می‌کردی؟**
من شاه کلید دارم و به راحتی می‌توانم در خانه‌ها را باز کنم. هر کس یک تخصصی دارد، تخصص من هم باز کردن قفل درهاست.

تنها کار می‌کنی؟
تکرو هستم. قبلاً با باند کار می‌کردم اما اصلاً خوب نبود. سهمم کم می‌شد. همه ریسک را خودم به جان می‌خریدم اما سهم من هم مانند کسی می‌شد که پشت فرمان نشسته و زاع زنی می‌کند. در حالی که کار سخت یعنی باز کردن قفل در را خودم انجام می‌دادم. این بار هم تصمیم گرفتم همدستی نگیرم و تنهایی سرقت کنم تا زندگی‌ام سر و سامان بگیرد.

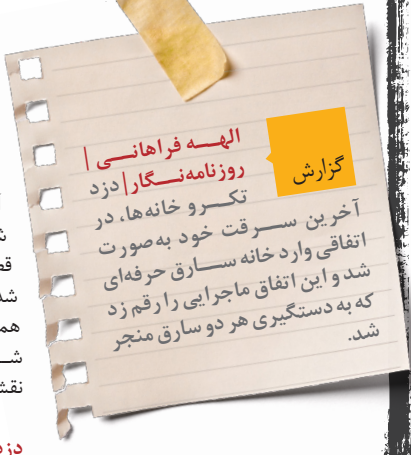
از آخرین سرقتی که مرتکب شدی و گیر افتادی تعریف کن؛ ظاهراً او هم مانند خودت دزد منزل بوده است؟
درست است. برای همین در خواست تخفیف مجازات داده‌ام؛ چون باعث شدم یک باند سرقت مهدم شود. او هم مانند من تخصص سرقت منزل است. چند سال قبل او را در زندان دیده بودم. آن شب به صورت اتفاقی وارد خانه او شدم؛ خودش در خانه نبود. من هم فوراً کیفرم را پر کردم و درست زمانی که می‌خواستم از خانه خارج شوم، او سریز نگاه رسید و می‌چم را گرفت. تا او را دیدم، شناختم. گفت هر چه را برداشتی بر گردان. گفتم نه. با چاقو تهدیدش کردم که اگر کنار نرود او را لو خواهم داد. حتی او را تهدید به قتل کردم که با هم درگیر شدیم و بعد پلیس رسیدی و گیر افتادم. البته او را هم خودم لو دادم.

او هم سرقت می‌کرد؟
باند سرقت داشت و هر از گاهی خانه‌ها را خالی می‌کردند. هر چند در ابتدا مدعی بود که قبلاً سارق بوده و در حال حاضر توبه کرده و دور خلاف را خط کشیده اما پلیس را که نمی‌توان فریب داد. خیلی زود دستش رو شد و او هم گیر افتاد. حالا درست است که من اتفاقی باعث شدم او دستگیر شود اما ای کاش دستگاه قضایی برای من تخفیف مجازات در نظر بگیرد!



قصدها فرار داشت، با حضور ناگهانی صاحبخانه غافلگیر شده بود. او با دیدن صاحبخانه، وی را شناخته بود؛ چرا که صاحبخانه نیز همانند وی یک دزد سابقه‌دار و حرفه‌ای بود. سارق که آن شب به صورت اتفاقی وارد این خانه شده بود، پس از مواجه شدن با همکارش قصد فرار داشته اما صاحبخانه مانع او شده و با هم درگیر شده بودند و زن همسایه که صدای درگیری آنها را شنیده بود، با پلیس تماس گرفته و نقشه فرار وی ناکام مانده بود.

دزد سابقه‌دار
سارق میانسال بازداشت شد، اگر چه اعتراف کرد که این نخستین سرقت او بوده اما خیلی زود با انجام تحقیقات بیشتر، جزئیات سرقت‌های سریالی‌اش فاش شد. او مجرمی سابقه دار بود که به خانه‌های شمال پایتخت دستبرد می‌زد اما در آن سوی پرونده نیز صاحبخانه بود که به گفته سارق دستگیر شده، یک دزد حرفه‌ای بود. کارآگاهان پس از شنیدن ادعاهای سارق میانسال و انجام تحقیقات متوجه شدند که حرفه‌ای وی صحت دارد و صاحبخانه نیز دزدی بوده که تخصص دستبرد به منازل است. در این شرایط راز سرقت‌های سریالی صاحبخانه و همدستانش نیز فاش و آنها دستگیر شدند. تحقیقات در این پرونده ادامه دارد تا جزئیات بیشتری از تبهکاری‌های سارقان منازل فاش شود.



به گزارش همشهری، اواخر هفته گذشته زنی جوان که ساکن یکی از محله‌های شمال پایتخت است با پلیس تماس گرفت و گزارش یک درگیری را اعلام کرد. او گفت که همسایه‌اش ظاهراً با فرد دیگری در خانه‌اش به شدت درگیر شده است و انظار همرا داشت. در این شرایط مرکز رسانه قضاییه اعلام کرد: پرونده‌ای که اکنون روی آن کار شده و باید در دیوان عالی کشور نیز مورد بررسی قرار گیرد، مربوط به دادگاه کیفری است، حال آنکه آنچه منتقدان نادیده گرفته‌اند این است که پرونده هنوز در دادگاه انقلاب مفتوح است. متهمان این پرونده صرف‌نظر از اثبات قتل عمد در دادگاه کیفری، به دلیل نقش آفرینی در آشوب‌ها، ایجاد رعب و ناامنی و اقدامات علیه امنیت ملی با عناوینی مانند محاربه یا افساد فی‌الارض مواجه هستند که این پرونده همچنان در دادگاه انقلاب مفتوح و در آستانه صدور رأی است، بنابراین رأی اخیر دادگاه کیفری نه به معنای پایان رسیدگی قضایی است و نه نادیده گرفتن ابعاد امنیتی حادثه و برخلاف برخی فضا سازی‌ها دادگاه کیفری اساساً صلاحیت رسیدگی به اتهاماتی مانند محاربه و افساد فی‌الارض را ندارد و این موضوعات در مرجع دیگری، یعنی دادگاه انقلاب بررسی می‌شود. خلط این ۲ مرجع قضایی نه تنها کمکی به روشن شدن حقیقت نمی‌کند، بلکه باعث شکل‌گیری برداشت‌های نادرست درباره روند رسیدگی قضایی خواهد شد.

سرقت از همکار
بررسی‌ها نشان داد که آن شب سارق میانسال برای سرقت وارد خانه‌ای شده بود که چراغ‌هایش خاموش بود و کسی در آنجا حضور نداشت. وی شروع به جمع‌آوری اموال بارزش کرده و در حالی که کوله پشتی خود را پر از سکه، طلا و دلار کرده بود و

صفحه ۱ از ۱ بهروز قلی‌پور

نگاه

قاسم آل‌کثیر، روزنامه‌نگار



قصه فریده؛ از جست‌وجوی نان تا آغوش ابدی شط

فریده غانمی، زنی ۳۶ ساله بود که زندگی‌اش در میان آشپز گره خورد. ۱۷ سال پیش، وقتی فشارهای اقتصادی راه ادامه معیشت را بر او و فرزندان خردسالش بست، ناچار شد خرمشهر را ترک کند و راهی هشتگرد در حوالی کرج شود. او که مادری با قلبی بزرگ بود، با وام فرزندان، وانت‌باری قدیمی خرید و در حاشیه جاده، بساط ترمبار پهن کرد. دست‌های پینه‌بسته‌اش، نشانه مبارزه برای نان بود. اما تقدیر، نقشه دیگری برای او داشت. وقتی سایه هولناک حملات آمریکایی-اسرائیلی بر سر شهر کهای اطراف هشتگرد گسترده شد فریده به همراه خواهر و کودکانش راه بازگشت به خانه را در پیش گرفت. او گمان می‌کرد خرمشهر، ساحل آرامش است؛ غافل از آنکه شهر خاطره‌ها، میزبان تراژدی‌های ناپایی خواهد بود. در روزهای آغازین جنگ تحمیلی سوم، وقتی خرمشهر در سکوت پیش از توفان بود، فریده به شهر بازگشت. تنها ۷ روز بعد، در یک ظهر داغ، وقتی سوار بر تاکسی و از کنار شط می‌گذشت، صدای مهیب موشک‌باران گشتی ساری، آرامش را درید. ترکشی بی‌رحم، سر او را هدف گرفت و فریده را به کامبرد. ۲۴ تیرماه روز، نقل

میان مرگ و زندگی پایان یافت و فریده در میان خاکی که روزگاری از آن رفته بود تا بماند، به شهادت رسید. خانواده فریده که پیش تر سهم سستی از رنج جنگ، از جمله ۱۷ سال ونیم اسارت پدر در عراق را به دوش کشیده بودند، این بار داغ عزیزترین خود را در میان همان شطی دیدند که پیوندش با خرمشهر را معنا می‌بخشید.

مرز جیلات امسال پذیرای زائران اربعین است
احمد کریمی، استاندار ایلام؛ با پایان یافتن بخش مهمی از طرح‌های عمرانی تا پایان خرداد و استقرار بخش گذرنامه، مرز جیلات پذیرای شمار محدودی از زائران اربعین حسینی خواهد بود. ایلام با داشتن ۴۳۰ کیلومتر مرز رسمی و با محوریت مرز مهران، آمادگی کامل برای میزبانی از زائران را دارد.



۲۷ طرح حفاظت از تنوع زیستی در برابر گرمایش جهانی در ایران در حال اجراست
آیاتی‌اش مداگ‌انگودا لیه، نماینده مقیم برنامه توسعه ملی متحد در ایران؛ ۲۷ طرح حفاظت از تنوع زیستی در برابر گرمایش جهانی در ۲ منطقه حفاظت‌شده در استان‌های سمنان و یزد با همکاری برنامه توسعه ملل متحد و سازمان حفاظت محیط‌زیست در حال اجراست.



سازمان آزادسازی خرمشهر

خرمشهر ما

۳ روایت از نسل جوانی که در خرمشهر مانده‌اند و به آبادانی این شهر فکر می‌کنند

گزارش سیده زهرا عباسی | روزنامه‌نگار بعضی شهرها از حافظه آدم پاک نمی‌شوند؛ چه در آنجا به دنیا بیایی، چه مجبور شوی کلید خانه‌ات را برداری و بروی و شهر را تنها بگذاری و چه آن وقت که برمی‌گردی تا تاب یابوری. مثل خرمشهر. آن هم وقتی صدای جنگ بلند شد؛ خیلی‌ها مجبور شدند چمدان را ببندند و راهی شهرهای دیگر شوند. رفتند اما خرمشهر در حافظه و چشمشان به کارون و غروبش، به نخل‌های بلند کوچک‌ها و به در

خانه‌ها ماند تا با خودشان بازگردند یا اگر نه، شوق بازگشت را در دل بچه‌ها بپاشن بکارند. جنگ که تمام شد، شوق بازگشت که جوانه داد، درهای بسته، کوجه‌های خاکی، گل و لای کارون و لنج‌های تابید خواب و خاموشی شهر هم نتوانست جلوشان را بگیرد. خرمشهر را به روایت پدران و مادران نشان می‌شناختند و به روایت عکس‌های داخل آلبوم. خرمشهر برایشان یک تصویر بود؛ خاکی که گیراست و کارون و غروب آفتابی که جای دیگر تکرار نمی‌شود؛ بر گشتند تا تاب بیاورند.

یک دلسوز داشته باشیم، کافی است

در میان روایت جوان ترها، روایت وطن یکی است و آنچه فرق می‌کند، روایت ساختن است. هر کسی دست روی چیزی می‌گذارد که حال وطن را بهتر کند و مریم درسیان میزبانی است که می‌خواهد آبروداری کند. مریم، بلاگر است و ۳۰ ساله، مانند علی و حامد، اصالتاً اهل خرمشهر و آبادان است و با وجود مهاجرت خانواده‌اش در زمان جنگ، در روزهای بعد از جنگ به همین جا بازگشته. ساکن خرمشهر است و معتقد است «هیچ کجا وطن نمی‌شود». درسیان می‌گوید: «۴۴ سال از آزادسازی خرمشهر می‌گذرد. شهر اما همانطور است که بود. بهتر است بگویم هیچ پیشرفتی نداشته؛ خیلی‌ها هم به خاطر همین گذاشتند و رفتند. اما ما بر گشتیم و ماندیم و ادامه می‌دهیم. روی دوش همه ما مسئولیت سنگینی است. اما من می‌گویم کاش دستی به سر و روی شهر بکشیم؛ حداقل وقتی مسافران و گردشگران می‌آیند، شهر را قشنگ و پاکیزه ببینند.»

تیمارداری شهری که دوست داریم

انگار برای تیمارداری بازگشته برای دست‌کشدن روی شهر که ۴۴ سال بعد از آزادسازی، هنوز در خاک بر چهره دارد. حامد درسی، هنرمند ۲۵ ساله خرمشهری که دلیل بازگشتش به شهر را چیزی شبیه حال و هوای پایتخت‌نشینان می‌داند در همین روزهای جنگی که پشت سر گذاشتیم؛ قلبشان برای پایتخت می‌تپد. حامد می‌گوید: «جنگ که شد خانواده‌ام به شیراز رفتند. بعد از جنگ مدتی بازگشتند و دوباره به دلیل مشکلات شهر به شیراز رفتند. من اما سال ۱۳۹۶ بر گشتم. دوست داشتم به شهرم کمک کنم؛ کسی که عاشق خاکش باشد آن را رها نمی‌کند. برمی‌گرده و هر کاری از دستش بر بیاید انجام می‌دهد تا شهر روی بهتری به خود بگیرد.» او می‌گوید: «شاید مسئولان درست کار نکرده‌اند و همین موجب شده تا خوزستان و به‌ویژه خرمشهر و آبادان مشکلات زیادی به‌خصوص از نظر زیرساختی داشته باشند. اما مردم هر چه در توان داشته‌اند، انجام داده‌اند.» درسی قصد ندارد از خرمشهر برود و حال خوب این منطقه را به یک برنامه‌ریزی درست منوط می‌داند. او توضیح می‌دهد: «آبادان و خرمشهر باینکه در محدوده منطقه آزاد اروند هستند، محرومیت‌های زیادی دارند. اعتبار زسازی اینجا می‌آید و می‌رود. بزرگ‌ترین بالايشگاه ایران با تولید روزانه ۱۵ میلیون لیتر بنزین در آبادان است و قیر قابل توجهی در آبادان از خرمشهر تولید می‌شود. اما خرمشهر و آبادان حتی آسفالت خوبی ندارند. فکر می‌کنم این مشکلات با برنامه‌ریزی و استفاده از تجربه به افرادی که می‌دانند و می‌توانند، حل می‌شود.»

دلیم برای خرمشهر می‌سوزد

علی ارحی، ۲۳ ساله است. نه خاطره‌ای از جنگ دارد، نه از روزهای رفتن و نه از خرمشهری که قدیمی‌ها می‌گویند. همه آنچه در حافظه دارد از حرف‌هایی است که پدرش گفته. پدرش متولد یکی از روستاهای مرزی شلمچه در شمال خرمشهر است که بعد از جنگ مجبور به مهاجرت می‌شود. علی توضیح می‌دهد: «همیشه اشتیاق داشتم برگردم و اینجا زندگی کنم و دوباره این شهر را مثل قبل زنده ببینم. همین هم شد که برگشتم.» به روایت علی، خاک خرمشهر گیراست و وقتی آنجا نمک تیرگ شوی، نمی‌توانی رهايش کنی. علی می‌گوید: «دوست دارم اینجا بمانم و بچه‌هایم اینجا متولد و بزرگ شوند.» محرومیت‌های خرمشهر، ۸ سال بعد از جنگ هنوز هم زیاد است اما هیچ‌یک از اینها موجب نشده تا علی ارحی با جوان‌های که مثل او فکر می‌کنند، خرمشهر را بگذارد و بروند. علی می‌گوید: «شاید باور تان نشود، اما ما حتی جایی برای دور هم جمع شدن و یک گنده فرهنگ هم نداریم؛ خیلی چیزها نداریم. حتی یک بیست دوچرخه‌سواری که خیلی کم‌تراش کردم و شهر داری با ساختن موافقت نکرد. اما خرمشهر را رها نمی‌کنیم.» او معتقد است، خرمشهر برای پیشرفت ۲ ظرفیت دارد: دانشگاه علوم و فنون دریایی که سال ۱۳۵۶ تأسیس شد و با همه داشته‌هایش هنوز شناخته شده نیست و دیگری، ظرفیت منطقه آزاد اروند که هنوز آلتور که باید سهم شهر و بومی‌ها نشده است.

عکس: زهرا آبرانی